

## مسئولیت مدنی قاضی در حقوق ایران

دکتر فخرالدین اصغری آفمشهدی \*

جواد قربانی دیسفانی \*\*

### چکیده

به موجب اصل ۱۷۱ قانون اساسی و ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی هر گاه در اثر اشتباه یا تقصیر قاضی در صدور حکم خسارتی متوجه محکوم علیه شود نامبرده می تواند خسارت وارده را از قاضی یا دولت مطالبه کند. قاضی با تحقق شرایط ذیل مسوول خواهد بود: ۱- اتخاذ تصمیم قضایی ۲- ارتکاب اشتباه یا تقصیر ۳- وقوع ضرر و ۴- رابطه ی سببیت بین ارتکاب اشتباه یا تقصیر و وقوع ضرر. مرجع احراز ارتکاب اشتباه یا تقصیر قاضی دادگاه عالی انتظامی قضات است. از این رو، زیان دیده باید ابتدا برای اثبات تقصیر یا اشتباه به دادگاه مزبور شکایت نماید و سپس بر مبنای آن برای جبران خسارت به دادگاه عمومی برود.

کلید واژه ها: قاضی، مسئولیت مدنی، اشتباه، تقصیر

\* استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران، عهده دار مکاتبات fasgharia@yahoo.com

\*\* کارشناس ارشد حقوق خصوصی

## مقدمه

ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «هر گاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد در مورد ضرر مادی، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله ی دولت جبران می‌شود و در موارد ضرر معنوی چنانچه تقصیر یا اشتباه قاضی موجب هتک حیثیت از کسی گردد باید نسبت به اعاده حیثیت او اقدام شود». ماده مزبور از اصل ۱۷۱ قانون اساسی اقتباس شده و فقط تغییر اندکی در جمله ی اخیر آن داده شده است. اصل ۱۷۱ مقرر می‌دارد: «هر گاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می‌شود و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می‌گردد». از نظر فقهاء نیز چنانچه قاضی تقصیری نکرده باشد خسارت از بیت المال و در غیر اینصورت، توسط خود قاضی جبران خواهد شد (نجفی، بی تاریخ: ص ۷؛ حسینی عاملی، مفتاح بی تاریخ: ص ۲۳؛ مقدس اردبیلی، ۱۴۱۷، ص ۴۰).

در ارتباط با مسئولیت مدنی قاضی، شرایط مسئولیت و مرجع صالح برای رسیدگی از اهمیت خاصی برخوردار است که در مقاله ی حاضر آنها را به طور جداگانه مورد بررسی قرار می‌دهیم:

## مبحث اول - شرایط مسئولیت مدنی قاضی

شرایط مسئولیت مدنی قاضی عبارتند از: اتخاذ تصمیم قضایی، ارتکاب اشتباه یا تقصیر، وقوع ضرر و رابطه سببیت بین ارتکاب اشتباه و تقصیر و ضرر وارده. در ذیل به بررسی این موارد می‌پردازیم.

## الف - اتخاذ تصمیم قضایی

اصل ۱۷۱ قانون اساسی و ماده ۵۸ هم از جهت مقامات صلاحیت داری که تصمیمات مزبور را اتخاذ می‌نمایند و هم از جهت نوع تصمیماتی که منجر به ختم پرونده می‌شود، ابهام دارد. ظاهر

ماده به گونه‌ای تنظیم شده که گویی صرفاً قضات محاکم حقوقی و جزایی، آن هم نسبت به تصمیماتی که در ماهیت قضایای مطروحه به صورت حکم اتخاذ می‌نمایند، مسؤولیت دارند و سایر قضات (قضات دادرسی) و تصمیمات قضایی (قراریها)<sup>۱</sup> از این حیث مستثنی هستند. برخی مؤلفان حقوقی (خزایی، مجله قانون و کلا، ش ۱۴۹-۱۴۸، ص ۱۲۸-۱۲۷) نیز تصریح نموده‌اند که منظور از قاضی در اصل ۱۷۱ قانون اساسی قضاتی هستند که صلاحیت رسیدگی ماهوی را دارند و نتیجه گرفته‌اند که «در مواردی که صدور قرار بازداشت متهم بدون رعایت ضوابط و شرایط قانونی توسط قضات دادرسی صادر شده ولی سوء نیت و عمدی هم در کار نبوده متهم حتی به جبران خسارت ناشی از این تصمیمات ندارد». اما از مشروح مذاکرات نمایندگان مجلس خبرگان قانون اساسی در مقام تصویب اصل ۱۷۱ قانون اساسی به خوبی استفاده می‌شود که هدف اصل مزبور این است که با توجه به قاعده‌ی «لا ضرر خسارت بی گناهیانی که به هنگام اقدامات قضایی به عمد و یا در نتیجه‌ی بی احتیاطی و بی‌مبالاتی متضرر شده‌اند، جبران گردد. از این رو، چنان که برخی نمایندگان نیز تصریح کرده‌اند فرقی بین قضات محاکم و دادرسی نیست (جلیلوند، ۱۳۷۳، ص ۱۲۹-۱۲۸). از طرفی، در مواد ۵۷۵، ۵۹۸ و ۶۰۴ قانون مجازات اسلامی و قوانین دیگر در بیان مسؤولیت جزایی، از قضات محاکم و دادرسی تحت عنوان عام قضات، مستخدمین قضایی، دارندگان پایه‌های قضایی و عناوین مشابه دیگر یاد شده و قضات دادرسی از نظر جرایم و مجازات‌های شغلی و تخلفات انتظامی و امکان تعقیب جزایی یا انتظامی، مشابه و معادل قضات محاکم به حساب آمده‌اند و از جهت شرایط استخدام، پیشرفت، ارتقاء حیثیت و شئون شغلی نیز تفاوتی بین قضات محاکم و دادرسی وجود ندارد. از این رو، موجبی به نظر نمی‌رسد که از جهت مسؤولیت مدنی بین آنها قایل به تفاوت شویم.

منظور از کلمه‌ی حکم مذکور در ماده‌ی ۵۸ قانون مجازات و اصل ۱۷۱ قانون اساسی نیز معنای اصطلاحی آن نیست بلکه مقصود کلیه تصمیمات و اقداماتی است که از سوی مقامات

<sup>۱</sup> - رأی دادگاه اگر راجع به ماهیت دعوی و قاطع آن به طور جزئی یا کلی باشد، حکم و در غیر این صورت، قرار نامیده می‌شود (ماده ۲۹۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹).

دادسرا یا دادگاه به اعتبار سمت قضایی آنان علیه جان، مال یا آزادی اشخاص اتخاذ و عمداً یا اشتباهاً موجب توجه خسارت مادی یا معنوی به آنان می‌گردد. در غیر این صورت، در عمل با نتایجی غیر منطقی و خلاف مبانی و اهداف اصل یاد شده مواجه خواهیم شد. به عنوان مثال، فرض کنیم شخصی به اتهام قتل عمد تحت تعقیب دادسرا واقع و به علت اهمیت موضوع، قرار بازداشت موقت وی از سوی بازپرس صادر و پس از گذشت مدتی از بازداشت و تکمیل تحقیقات، پرونده با صدور قرار مجرمیت و کیفرخواست به دادگاه کیفری ارسال و پس از تعیین وقت و انجام محاکمه، متهم به تحمل قصاص محکوم شود لکن در جریان تجدید نظرخواهی در دیوان عالی کشور به دلایل موجه معلوم شود قاتل واقعی شخص دیگری است یا اصولاً مقتول زنده یافت شود و بازداشت و زندانی شدن متهم در دادسرا و ادامه‌ی آن از طرف دادگاه مبتنی بر تقصیر یا اشتباه مقامات قضایی بوده است. در این صورت، چنانچه منظور از کلمه‌ی حکم معنای اصطلاحی آن باشد متهم فقط می‌تواند خسارت مربوط به بازداشت بعد از تاریخ صدور حکم دادگاه را مطالبه کند و خسارات مربوط به ایام بازداشت قبل از صدور حکم، که بر اساس قرار بازداشت موقت بازپرس صورت گرفته و تا زمان صدور حکم ادامه داشته است، قابل مطالبه نیست. چنین نتیجه‌ای با روح و مبانی اصل ۱۷۱ قانون اساسی و ماده‌ی ۵۸ قانون مجازات اسلامی و با انصاف قضایی سازگار نیست (همان، ص ۱۳۲).

### ب - ارتکاب فعل زیان آور اشتباه یا تقصیر

دومین شرط مسئولیت قاضی، ارتکاب اشتباه یا تقصیر در صدور حکم است. در ذیل به بررسی این موارد می‌پردازیم:

#### ۱ - اشتباه

در تعریف اشتباه گفته شده است « اشتباه عبارت است از اینکه شخصی در انتخاب قانون صحیح مرتکب خطا شود که البته، این اشتباه ممکن است در موضوع جرم نیز حادث شود » (همان، ص ۴۵). معنای مزبور با معنای عرفی اشتباه متفاوت است. در عرف اشتباه به معنای اظهار پشیمانی است. به عنوان مثال، وقتی متهم بعد از اقرار به جرم می‌گوید اشتباه کردم منظور او

اشتباه نسبت به موضوع و یا حکم نیست بلکه منظور او اظهار پشیمانی از ارتکاب فعل مجرمانه است .

## ۲- تقصیر

به موجب ماده ۹۵۳ قانون مدنی « تقصیر اعم است از تعدی و تفریط ». تعدی تجاوز نمودن از حدود اذن یا متعارف است نسبت به مال یا حق دیگری ( ماده ۹۵۱ قانون مدنی ) و تفریط عبارت است از ترک عملی که به موجب قرارداد یا متعارف برای حفظ مال غیر لازم است ( ماده ۹۵۲ ). با توجه به دو ماده ی مزبور می توان گفت تقصیر عبارت است از انجام عملی که شخص نمی بایست مرتکب شود یا ترک عملی که شخص می بایست انجام دهد ( صفایی ، ۱۳۵۱ ، ص ۵۵۳ / ). تبصره ماده ی ۲۳۶ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد : « تقصیر اعم است از بی احتیاطی ، بی مبالاتی ، عدم رعایت نظامات دولتی » .

## ۲- ۱- انواع تقصیر

تقصیر به دو نوع عمدی و غیر عمدی تقسیم می شود .

### ۲- ۱- ۱- تقصیر عمدی

تقصیر عمدی عبارت است از اینکه فاعل هم قصد عمل نامشروع و هم قصد نتیجه ی حاصل از آن را دارد . برای مثال کسی که با پرتاب سنگ شیشه اتومبیل کسی را مورد اصابت قرار می دهد هم قصد فعل و هم قصد نتیجه ( شکستن شیشه اتومبیل ) را دارد .

### ۲- ۱- ۲- تقصیر غیر عمدی

تقصیر غیر عمدی آن است که فاعل قصد فعل را دارد اما قصد نتیجه حاصل از آن را ندارد . به عنوان مثال ، وقتی راننده ای در اثر بی مبالاتی و بی احتیاطی و عدم رعایت نظامات دولتی در حین رانندگی خسارتی به خودروی دیگری وارد می سازد قصد فعل رانندگی را دارد لیکن قصد نتیجه ( بروز خسارت ) را ندارد . به عبارت دیگر ، اراده ی شخص به ایجاد خسارت تعلق نمی گیرد.

شایان ذکر است که در حقوق جزا تفکیک بین فعل عمدی و غیر عمدی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. به عنوان مثال، برای قتل عمد در قانون مجازات اسلامی قصاص پیش بینی شده است در حالی که برای قتل غیر عمد ناشی از بی احتیاطی و بی مبالائی در امر رانندگی پرداخت دیه و مجازات حبس در نظر گرفته شده است ( مواد ۲۰۵ و ۷۱۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰)، در حالی در قلمرو مسئولیت مدنی تقصیر خواه عمدی و خواه غیر عمدی باشد ایجاد مسئولیت می کند و در مسئولیت فاعل تأثیری ندارد. با وجود این، احراز عمد و غیر عمد دارای آثار عملی است:

- بیمه خسارات عمدی بر خلاف خسارات غیر عمدی، به لحاظ مغایرت با نظم عمومی باطل است و هیچ کس نمی تواند خسارات غیر عمدی را که به دیگران وارد می سازد، بیمه نماید. قانونگذار نیز چنین قراردادی را معتبر نشناخته و به شرکت بیمه اجازه داده است که پس از پرداخت خسارت زیان دیده برای استرداد وجوه پرداخت شده به شخصی که موجب خسارت شده مراجعه نماید ( ماده ۵ قانون بیمه اجباری دارندگان نقلیه موتوری زمینی ).

- شرط عدم مسئولیت در تقصیر های غیر عمدی معتبر است اما در تقصیر های عمدی معتبر نیست ( قاسم زاده، ۱۳۷۸، ص ۱۱۵).

- در مسئولیت مدنی جبران خسارت زیان دیده باید به همان مقداری باشد که به او ضرر وارد شده است. محاکم در تقصیر عمدی دقت زیادی به خرج می دهند و وارد کننده ی زیان را به جبران تمام خسارات وارده محکوم می نمایند در حالی که در جبران خسارات غیر عمدی با مسامحه و اغماض بیشتری برخورد کرده و گاه قانونگذار نیز دست قاضی را در دادن تخفیف باز گذاشته است. ماده ۴ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ در این باره مقرر می دارد: « دادگاه می تواند میزان خسارت را در موارد زیر تخفیف دهد ... ۲- هر گاه وقوع خسارت ناشی از غفلتی بوده که عرفاً قابل اغماض باشد و جبران آن نیز موجب عسرت و تنگدستی واردکننده زیان شود »

چنانکه گفته شد در مسئولیت مدنی فرقی بین تقصیر عمدی و غیر عمدی وجود ندارد و عامل زیان در هر دو صورت باید خسارت ناشی از فعل خود را جبران نماید. در خصوص قاضی اگر تقصیر به همین معنای عام در نظر گرفته شود قاضی مسؤول کلیه خسارات مادی و معنوی ناشی از

تقصیر عمدی و غیر عمدی خواهد بود. در حالی که این تفسیر با ضرورت ها و حساسیت های این حرفه مهم و مقصود واقعی وضع کنندگان اصل ۱۷۱ انطباق ندارد ( جلیلونند، ۱۳۷۳، ص ۸۴-۸۵). از مشروح مذاکرات نمایندگان مجلس در بررسی قانون اساسی ( مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، جلسه شصت و چهارم، ص ۱۷۲۵). استفاده می شود که منظور نمایندگان از تقصیر، تقصیر عمدی یا در حکم عمد و مراد از اشتباه همان خطای غیر عمد است. در واقع، چنانکه برخی مؤلفین حقوقی ( کاتوزیان، ۱۳۷۷، ص ۱۷۳) آمده است « اشتباه ناظر به موارد قصور دادرسی می شود و تقصیر ناظر به حالتی است که در آن تدلیس، سوء نیت و عمد وجود دارد، خواه انگیزه ی آن جلب منفعت ( مانند اخذ رشوه)، دفع ضرر ( مانند ترس) و یا انتقام جویی و امثال اینها باشد. » اگر دادرسی مسؤول تمام اشتباهاتی باشد که در جریان دادرسی رخ می دهد دیگر کسی به این کار پر خطر دست نمی زند. طبیعت دادرسی به گونه ای است که احتمال خطا در آن می رود. به ویژه در تعقیب متهم بیشتر پیگردها با ظن و گمان آغاز می شود و گاه قرینه ها و ظاهر کار، هر انسان آگاه و محتاطی را می فریبد. تکلیف دادرسی این نیست که به واقع برسد بلکه باید در راه رسیدن به واقع بکوشد و از همه ی دانش و تجربه ای که اندوخته است در این راه استفاده کند. پس نرسیدن به واقع را نمی توان به او خرده گرفت. وانگهی، استقلال رأی قضات زمانی تأمین می شود که در برابر دعاوی ناشی از اینگونه اشتباه های احتراز ناپذیر مصونیت داشته باشند. به همین جهت، در این زمینه اتفاق نظر وجود دارد که اشتباه قاضی در رسیدن به واقع اگر ناشی از تقصیر او نباشد، نباید سبب مسؤولیت مدنی او شود. البته از آنجا که هیچ ضرری را نباید جبران نشده باقی گذارد ( قاعده ی لا ضرر) دولت باید به عنوان مسؤول قضایی کشور خسارات ناشی از اشتباه دادرسی را جبران کند. بدین گونه است که آثار اجرای این خدمت عمومی و ضروری بر همه تحمیل می شود ( همان، ص ۱۷۴). از طرف دیگر، اگر اشتباه اعم از تقصیر عمد و یا غیر عمد باشد دیگر تأکید بر تقصیر در ذیل اصل یاد شده لازم نمی آید. به عبارت دیگر، هر گاه قاضی مسؤول کلیه خسارات ناشی از تقصیر عمد و غیر عمد تلقی شود دیگر موجبی برای مسؤولیت دولت در قسمت آخر اصل ۱۷۱ قانون اساسی و ماده ۵۸ قانون مجازات

اسلامی باقی نمی ماند. از این رو، مسئولیت شخصی قاضی محدود به مواردی است که مرتکب تقصیر عمدی شود ( جلیلود، ۱۳۷۳، ص ۹۵).

شایان ذکر است که به موجب ماده ی ۱۱ قانون مسئولیت مدنی، اصل بر عدم مسئولیت دولت نسبت به فعل زیان بار کارمندان خودش است و تنها در صورتی مسئول می باشد که خسارت در نتیجه ی نقص فنی وسایل اداری وارد شده باشد. از این رو، اگر قاضی در صدور رأی مرتکب اشتباه و تقصیر نشده باشد و با توجه به اینکه نقص وسایل اداری در صدور رأی نیز منتفی است، هیچ یک از قاضی و دولت مسئول نخواهند بود. اما از آنجا که جبران خسارت ناشی از صدور رأی قاضی در اصل ۱۷۱ قانون اساسی و ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی به طور خاص مقرر شده و در مقابل ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی حکمی خاص است، قضات از شمول ماده ۱۱ خارج هستند. اداره ی حقوقی قوه ی قضائیه نیز در نظریه ی مشورتی شماره ی ۷ / ۴۲۷۳ مورخ ۲۷ / ۷ / ۶۷ اعلام داشت: « علاوه بر آنکه علی الظاهر قضات دادگستری از عناوین مذکور در ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی خارجند اصولاً با تصویب اصل ۱۷۱ قانون اساسی جمهوری ایران دیگر موردی برای اعمال ماده ی ۱۱ قانون مسئولیت مدنی در باره ی قضات دادگستری باقی نمی باشد چه با اجرای اصل مزبور منظور تأمین خواهد شد» ( شهری و جهرمی، بی تاریخ، ص ۴۹۲).

### ۳ - مصادیقی از اشتباه و تقصیر قاضی

اشتباه و تقصیر قاضی مصادیق زیادی دارد که در اینجا تنها به برخی موارد مهم اشاره می کنیم:

۱- ۳ - تعقیب و توقیف غیر قانونی  
مطابق قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب ( در امور کیفری ) مصوب ۱۳۷۸ هیچ کس را نمی توان احضار یا جلب نموده مگر اینکه دلایل کافی برای احضار یا جلب موجود باشد ( ماده ۱۲۴ ). در صورتی که متهم بدون داشتن عذر موجه از حضور استنکاف نماید به دستور قاضی جلب خواهد شد ( مواد ۱۱۶ و ۱۱۷ ). قاضی مکلف است بلا فاصله و یا حد اکثر ظرف مدت ۲۴ ساعت مبادرت به تحقیق نماید در غیر اینصورت، بازداشت غیر قانونی تلقی خواهد شد



( ماده ۱۲۷ ) . با توجه به مطالب مزبور چنانچه قاضی بدون دلایل کافی کسی را احضار و یا جلب نماید و در اثر این اقدام ، ضرر مادی و یا حیثیتی به او وارد شود موجبات مسؤولیت مدنی قاضی فراهم خواهد بود .

### ۳- ۲- عدم احتساب ایام بازداشت قبلی

به موجب تبصره ماده ی ۲۹۵ ق. آ. د. ک چنانچه محکوم علیه قبل از صدور حکم لازم الاجرا به علت اتهام یا اتهاماتی که در پرونده ی امر مطرح بوده بازداشت شده باشد مدت بازداشت قبلی از مقدار حبس او کسر خواهد شد . اما در عمل مواردی یافت می شود که متهم مدت های مدیدی را در مراجع انتظامی به منظور تکمیل تحقیقات مقدماتی بازداشت و پس از تکمیل تحقیقات روانه ی زندان می شود ولی بعد از صدور حکم دادگاه و در مرحله ی اجرای احکام اشتباها و یا تعدا ایام بازداشت متهم در کلانتری از ایام محکومیت وی کسر نمی گردد که این امر موجب تضییع حقوق متهم می شود و باید خسارت وارده به او جبران گردد .

### ۳- ۳- اطلاع ی دادرسی

یکی از معضلات سیستم قضایی کشور در رسیدگی به پرونده های حقوقی و کیفری اطلاع ی دادرسی است . اطلاع ی دادرسی چه به نحو عمدی یا غیر عمدی چنانچه موجب بروز خساراتی به اشخاص گردد، موجب مسؤولیت مدنی قاضی و یا دولت خواهد بود. به عنوان مثال ، قاضی پس از قرار قبولی وثیقه و بازداشت ملک با صدور دستورهای غیر ضروری موجب اطلاع ی دادرسی و تضییع حقوق وثیقه گذار شود و یا متهمی به لحاظ عجز از معرفی تامین مناسب ( کفالت یا وثیقه ) در بازداشت باشد و به لحاظ ی اطلاع دادرسی مدت های زیادی را در بازداشت بماند که در این موارد باید قاضی را مسؤول دانست . دادگاه عالی انتظامی قضات نیز در موارد

متعددی به علت اطاله ی ناموجه دادرسی از سوی قضات ، حکم به محکومیت آنها صادر نموده است.<sup>۱</sup>

### ۳-۴- صدور حکم اضافه بر میزان خواسته

به موجب ماده ی ۲ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب ( در امور مدنی ) مصوب ۱۳۷۹ « هیچ دادگاهی نمی تواند به دعوایی رسیدگی کند مگر اینکه شخص یا اشخاص ذینفع یا وکیل یا قائم مقام یا نماینده ی قانونی آنها رسیدگی به دعوی را برابر قانون درخواست نموده باشند ». از این رو ، دادگاه فقط در حدود آنچه درخواست شده است رسیدگی و تصمیم می گیرد نه آنچه را که خواهان واقعا حق دارد و یا می تواند از دادگاه درخواست نماید. دادگاه ها ملزم به رعایت عین خواسته هستند و نمی توانند از آن تجاوز نمایند. تغییر خواسته و یا افزایش آن از سوی قاضی از موارد تخلف وی محسوب می شود و به موجب بند ۱ و ۲ ماده ۴۲۶ قانون مزبور از موارد اعاده ی دادرسی است. دادگاه عالی انتظامی قضات نیز در موارد متعدد حکم به محکومیت قضات در این موارد نموده اند. به عنوان مثال ، در یک پرونده که خواهان تقاضای تخلیه مغازه را کرده بود دادگاه علاوه بر صدور حکم تخلیه، خواهان را به پرداخت اجرت معوقه نیز محکوم نمود که دادگاه عالی انتظامی قضات صدور حکم زاید بر خواسته را از سوی قاضی تخلف اعلام نمود.<sup>۲</sup>

### ج- ورود ضرر

در صورتی اشتباه یا تقصیر قاضی موجب مسؤولیت مدنی می شود که منجر به ورود خسارت شده باشد. مادام که خسارتی ایجاد نشده است نمی توان علیه قاضی ( در صورت تقصیر عمدی ) و دولت ( در فرض اشتباه قاضی ) اقامه دعوی نمود. ضرری که وارد می شود ممکن است مادی و یا معنوی باشد. ضرر مادی خسارتی است که به اموال و دارایی ها وارد می شود که ممکن است

<sup>۱</sup> - به عنوان مثال ، می توان به رای شماره ۱۷۱ مورخ ۷۲ / ۶ / ۲۵ ، رای شماره ۱۹۷ مورخ ۷۲ / ۱۱ / ۵ ، رای شماره ۱۱ مورخ ۱ / ۲ / ۷۶ و رای شماره ۱۶۲ مورخ ۷۷ / ۵ / ۵ اشاره کرد ( به نقل از : کریم زاده ، ۱۳۷۸ ، ص ۸۶-۹۱ / ۲ و حیدر زاده ، ، ۱۳۷۳ ، ص ۲۶۷ ).

به صورت از دست رفتن مال موجود و یا فوت شدن منفعت ( خسارت عدم النفع ) باشد . قابل مطالبه بودن خسارت عدم النفع محل تردید است. زیرا ، از یک طرف، ماده ی ۹ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب ( در امور کیفری ) مصوب ۱۳۷۸ فوت شدن منفعتی را که در اثر ارتکاب جرم حاصل شده است ، قابل مطالبه می داند . از طرف دیگر ، تبصره ماده ی ۵۲۵ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب ( در امور مدنی ) مصوب ۱۳۷۹ مقرر می دارد : « خسارت ناشی از عدم النفع قابل مطالبه نیست » . با توجه به فاصله زمانی اندک ( پنج و نیم ماه ) بین تاریخ تصویب دو قانون مذکور در فوق ، نسخ قانون اول توسط قانون آیین دادرسی مدنی منطقی نیست. از آنجا که خسارت عدم النفع ممکن است ممکن الحصول و یا قطعی الحصول باشد، در یک تفسیر منطقی باید گفت منظور از قابل مطالبه نبودن خسارت ناشی از عدم النفع مطلق خسارت نیست. بلکه ، منظور خسارت محتمل الحصول است ( اصغری آقمشهدی، ۱۳۸۱، ص ۹۴ - ۷۷ ). این تفسیر از سوی برخی قضات محاکم نیز تأیید شده است چنانچه بیشتر قضات دادگاه های اصفهان در نشست قضایی خود اعلام نمودند مقصود قانونگذار از ماده ۵۱۲ خسارت بعیده است.

خسارت معنوی عبارت است از ضرری که متوجه حیثیت ، شرافت و آبروی اشخاص یا بستگان او گردد. به عنوان مثال ، قاضی بر اثر اشتباه یا تقصیر عمدی در تصمیم گیری مبادرت به صدور حکم ورشکستگی یک بازرگان معتبر نماید که در این صورت خسارت وارده به اعتبار و شهرت تجاری تاجر ، مصداق خسارت معنوی خواهد بود . هر چند در قانون مدنی نصی در خصوص قابل جبران بودن خسارت معنوی وجود ندارد اما به موجب اصل ۱۷۱ قانون اساسی و ماده ۱ ی قانون مسؤلیت مدنی چنین خسارتی قابل مطالبه است ( اصغری آقمشهدی، ۱۳۸۲، ص ۴۸ - ۳۱ ).

#### د - رابطه ی سببیت بین اشتباه یا تقصیر قاضی و ضرر وارده

یکی دیگر از شروط ایجاد مسؤلیت مدنی قاضی یا دولت احراز رابطه ی سببیت بین تقصیر و اشتباه قاضی یا ضرر وارده است . سببیت به این معناست که اگر تقصیر یا اشتباه قاضی صورت

نمی گرفت، خسارت وارد نمی گردید. بنابراین، اگر معلوم شود با وجود اشتباه و تقصیر، عامل خارجی سبب ورود خسارت شده است دولت یا قاضی در این خصوص مسؤولیتی نخواهد داشت.

### مبحث دوم - کیفیت اقامه ی دعوی علیه قاضی

چنانکه گفته شد در صورتی که در اثر اشتباه یا تقصیر قاضی در صدور رأی خسارتی متوجه محکوم علیه گردد، این خسارت باید جبران گردد. اما سؤالی که مطرح می شود این است که چه مرجعی صلاحیت احراز اشتباه یا تقصیر قاضی را دارد. گر چه قوانین ایران در این خصوص ساکتند ولی نظر به اینکه مرجع رسیدگی به تخلفات قضات، دادگاه عالی انتظامی قضات است مرجع احراز اشتباه یا تقصیر قاضی را باید همین دادگاه دانست. از این رو، زیان دیده باید ابتدا برای اثبات تقصیر یا اشتباه به دادگاه مزبور شکایت نماید و سپس بر مبنای آن برای جبران خسارت به دادگاه عمومی برود (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ص ۳۱۳). مشروح مذاکرات نمایندگان مجلس بررسی نهایی قانون اساسی (صورت مشروح مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، جلسه ۶۴، ص ۱۷۵۳-۱۷۵۸) نیز مؤید نظر مزبور است چه آنکه در پیش نویس اصل ۱۷۱ قانون اساسی مقرر شده بود: «تشخیص تقصیر یا عدم تقصیر قاضی با دیوانعالی کشور است» اما پس از اینکه عده ای از نمایندگان به صلاحیت دیوان عالی کشور اعتراض کرده و آن را در صلاحیت دادگاه عالی انتظامی قضات دانستند، جمله ی مزبور از اصل ۱۷۱ حذف شد. البته، صلاحیت دادگاه انتظامی قضات نیز به سکوت برگزار گردید. علت اصلی سکوت ماندن موضوع نیز چنانچه برخی از نمایندگان اشاره کرده اند تصویب کلیات در اصل ۱۷۱ و احاله ی جزئیات به قوانین عادی بوده است (همان، ص ۱۷۵۸). اداره ی کل حقوقی قوه قضاییه نیز در نظریه ی مشورتی شماره ۹۷۶۸/۷ مورخ ۱۲/۱۰/۷۹ اعلام نمود: «تقصیر و اشتباه قاضی باید بدوا در دادگاه انتظامی قضات به اثبات برسد و سپس شاکی برای مطالبه خسارت خود به دادگاه عمومی مراجعه نماید». رویه ی قضایی در محاکم نیز این چنین است. به عنوان مثال، در یک پرونده (دادنامه شماره ۳۳ مورخ ۳۱/۱/۸۱ شعبه ۱۱۱۷ دادگاه عمومی تهران) خواهان بدون اینکه مستندات مربوط به احراز تقصیر یا اشتباه قاضی را توسط دادگاه عالی انتظامی قضات ضمیمه ی دادخواست نماید، اقدام به طرح دعوا به طرفیت

قاضی نمود که دادگاه مبادرت به صدور قرار رد دعوی نمود. البته، شایسته است دادگاه در چنین مواردی بر طبق ماده ی ۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی، قرار توقیف دادرسی صادر کند و رسیدگی را تا اتخاذ تصمیم دادگاه عالی انتظامی قضات متوقف نماید و در صورت عدم اقامه ی دعوا در مرجع مزبور در مهلت مقرر قرار رد دعوی را صادر کند.

شایان ذکر است که چنانچه تقصیر و تخلف قاضی در صدور رأی محرز نگردد، دادخواست مطالبه خسارت باید به طرفیت دادستان به عنوان حافظ منافع عمومی و در نتیجه، حافظ منافع بیت المال ارائه شود.

### نتیجه

به موجب اصل ۱۷۱ قانون اساسی « هر گاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله ی دولت جبران می شود و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می گردد. » از نظر فقهاء نیز چنانچه قاضی تقصیری نکرده باشد خسارت از بیت المال و در غیر اینصورت، توسط خود قاضی جبران خواهد شد. شرایط مسؤلیت مدنی قاضی عبارتند از: ۱ - اتخاذ تصمیم قضایی. از حیث مرجع اتخاذ تصمیم و مسؤلیت مدنی، فرقی بین قضات محاکم و دادرها و صدور حکم یا قرار وجود ندارد. ۲ - ارتکاب اشتباه یا تقصیر از سوی قاضی. به عنوان مثال، قاضی بدون دلایل کافی کسی را احضار یا جلب نماید یا ایام بازداشت قبل از صدور حکم را از مقدار حبس او کسر نکند یا موجب اطاله ی دادرسی شود و یا حکمی اضافه بر خواسته ی دعوی صادر نماید. ۳ - وقوع ضرر و ۴ - رابطه سببیت بین ارتکاب اشتباه و تقصیر و ضرر وارده. مرجع احراز ارتکاب اشتباه یا تقصیر قاضی دادگاه عالی انتظامی قضات است. از این رو، زیان دیده باید ابتدا برای اثبات تقصیر یا اشتباه به دادگاه مزبور شکایت نماید و در صورت موفقیت در شکایت مطروحه، بر اساس آن برای جبران خسارت به دادگاه عمومی دادخواست تقدیم کند.

## فهرست منابع

- ۱- اصغری آقمشهدی فخرالدین، "جبران خسارت معنوی در حقوق ایران"، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران، شماره ۹ و ۱۰، ۱۳۸۲.
- ۲- اصغری آقمشهدی فخرالدین، "خسارت عدم النفع در حقوق ایران و کنوانسیون بیع بین المللی کالا مصوب ۱۹۸۰"، نامه مفید، ش ۲۹، ۱۳۸۱.
- ۳- جعفری لنگرودی محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ دوم، تهران، کتابخانه گنج دانش.
- ۴- جلیلودی یحیی، مسئولیت مدنی قضات، یلدا، ۱۳۷۳.
- ۵- حسینی عاملی سید محمد جواد، مفتاح الکرامه، ج ۱۰، دار احیاء التراث العربی.
- ۶- حیدر زاده هادی، تعقیب انتظامی قضات، تهران، آزاده، ۱۳۷۳.
- ۷- خزایی منوچهر، "بحثی پیرامون توقیف احتیاطی یا قرار بازداشت متهم و آثار آن"، مجله کانون وکلا، شماره ۱۴۸ و ۱۴۹.
- ۸- شهری و جهرمی، نظریات اداره حقوقی قوه قضائیه در زمینه مسائل کیفری، ج ۱، سروش.
- ۹- صفایی سید حسین، دوره مقدماتی حقوق مدنی، ج ۲، مؤسسه عالی حسابداری، ۱۳۵۱.
- ۱۰- قاسم زاده سید مرتضی، مبانی مسئولیت مدنی، چاپ اول، دادگستر، ۱۳۷۸.
- ۱۱- کاتوزیان ناصر، الزامات خارج قرارداد، دانشگاه تهران، ۱۳۷۴.
- ۱۲- کاتوزیان ناصر، مبانی حقوق عمومی، دادگستر، چاپ اول، ۱۳۷۷.
- ۱۳- کریم زاده احمد، نظارت انتظامی، ج ۲، روزنامه رسمی، ۱۳۷۸.
- ۱۴- مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، جلسه شصت و چهارم.
- ۱۵- مقدس اردبیلی احمد، مجمع الفائده و البرهان، چاپ دوم، ج ۱۲، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
- ۱۶- نجفی محمد حسن، جواهر الکلام، چاپ ۷، ج ۴۰، بیروت، دار احیاء التراث العربی.